

اتحادیه آلبا؛ افق‌های نو برای جمهوری اسلامی ایران

دکتر محمدجعفر جوادی ارجمند*

دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران

امیرعلی آزادی

کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران

سید محمدمهدی قادری

کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران

چکیده

آمریکای لاتین دیرزمانی است که توجه قدرت‌های بزرگ را به خود جلب کرده است، چه از حیث نظامی آن - که جذابیت بالایی برای اتحاد جماهیر شوروی داشت - و چه از حیث سیاسی - که مورد رصد و پایش دقیق ایالات متحده آمریکا بوده است - و چه از حیث اقتصادی، که قدرت چالشگر چین را به مرزهای ایالات متحده آمریکا رسانده است، در میان درگیری این ابرقدرت‌ها، اتحادیه بولیواری مردم آمریکای لاتین موسوم به اتحادیه آلبا - که اکنون بیش از یک دهه سابقه حیات دارد - فرصتی بالقوه برای جمهوری اسلامی ایران است تا بتواند با استفاده از ظرفیت‌های موجود فی‌مابین، عمق راهبردی خود را تا مرزهای ایالات متحده آمریکا نزدیک سازد، از سوی دیگر در این مقاله بر آن هستیم علاوه بر بررسی فرصت‌های پیش رو اعضای اتحادیه آلبا، به بررسی چشم‌اندازهای مختلف روابط ایران و اتحادیه پرداخته شود

کلید واژه‌ها

آمریکای لاتین، جمهوری اسلامی ایران، اتحادیه آلبا، عمق راهبردی، روابط بین‌الملل

بیان مسئله

اتحادیه آلبا (اتحادیه بولیواری برای مردم آمریکای ما)^۱ به‌عنوان یک مدل همگرایی^۲ بدیل توافقنامه تجارت آزاد دولت آمریکا^۳ در ۱۴ دسامبر ۲۰۰۴، زمانی که هوگو چاوز و فیدل کاسترو توافقنامه تشکیل آن را در هاوانا^۴ امضا کردند شکل گرفت، این اتحادیه در گذر زمان^۵ عضو پیدا کرده که عبارت‌اند از: ونزوئلا، کوبا، اکوادور، بولیوی، نیکاراگوئه، دومینیکا، آنتیگوا باربودا، سنت وینست و گرانادین، هائیتی، السالوادور، هندوراس، ایران و سوریه نیز به‌عنوان اعضای ناظر این اتحادیه محسوب می‌شوند (3: Tahsin, 2009).

برای سال‌های بسیاری، سیاست‌های لیبرالی منجر به افزایش نابرابری در میان فقرا، کارگران و مردم آمریکای لاتین شده بود که از نتایج آن می‌توان به‌رشد افکار چپ بعد از جنگ جهانی دوم، روی کار آمدن دولت‌های سوسیالیستی بعد از جنگ سرد و استکبارستیزی دوران جدید اشاره کرد، توافقنامه آلبا با چشم‌انداز تقویت مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود و حاکمیت، با ارائه یک مدل جایگزین که مخالف سیاست‌های غالب اقتصادی جهانی باشد پیشنهاد شد (Bolivarian Alliance for the Peoples of Our America, 2004)، بنابراین هدف آلبا به‌عنوان نقشه راه مشترک، رسیدن به رشد و توسعه‌ی یکپارچه از طریق فرایند همگرایی منطقه‌ای می‌باشد.

اتحادیه آلبا به‌جز این پشتوانه‌های اجتماعی به‌لحاظ تاریخی نیز ریشه در آرزوهای مردم آمریکای لاتین داشت، ایده وحدت قاره آمریکای لاتین در برابر استعمار و امپریالیسم که همان ایده «آمریکای ما» خوزه مارتی^۶ است در آلبا با ایده‌های ضداستعماری سیمون بولیوار^۷ گره خورده است و ریشه‌های ایدئولوژیک آن را تشکیل می‌دهد و این باور به‌وضوح در بیانیه مشترک آلبا گنجانده شده است که: «ما به‌طور کامل به‌توافق رسیدیم که آلبا به‌عنوان یک واقعیت با ایده‌های مرکانتلیستی یا منافع سودآور کسب‌وکار که به ضرر مردم باشد، تطابق نخواهد داشت...» (Bolivarian Alliance for the Peoples of Our America, Agreement for the ALBA Application, 2014).

در این مقاله برآن هستیم که علاوه‌بر شناخت اتحادیه آلبا از جهت اصول و ساختار اتحادیه - شامل کنفرانس‌های برگزار شده و سازمان‌های هم پیوند با این اتحادیه- به‌ویژگی‌های فرهنگ سیاسی مردم و وضعیت سیاسی موجود در هریک از کشورهای اتحادیه جهت برقراری ارتباط مستحکم‌تر با جمهوری اسلامی ایران بپردازیم.

1- Bolivarian Alliance for the Peoples of Our America (ALBA)

۲- همگرایی فرایندی است که طی آن افراد و اعضای یک واحد اجتماعی یا سیاسی به‌طور داوطلبانه از اعمال اقتدار کامل خود صرف‌نظر می‌کنند تا در پرتو آن بتوانند به‌اهداف مشترکی برسند، هدف اصلی همگرایی این است که به‌افزایش رفاه از طریق تجارت بپردازد و از طریق تخصیص منابع بر اساس مکانیزم بازار، به‌دنبال بهینه‌سازی و رفاه باشد، تحرک رایگان چهار عامل اصلی (کالا، سرمایه، نیروی کار و خدمات) باید برای همگرایی کامل اقتصادی به‌دست‌آمده باشد، تحرک این عوامل، باعث از بین بردن تبعیض در بازارهای همگرا و استفاده از سیاست‌های مشترک و اقدامات مشترک برای کمک به کشورهای ثالث است، به همین دلیل بازارها و شرکت‌ها، اصلی‌ترین ابزار برای تحقق اهداف همگرایی است و هر کشوری بر اساس مزیت نسبی خود در تولید، بخشی از نیاز دیگر کشورها را تأمین می‌کند.

3- FTAA or Área de Libre Comercio de las Américas (ALCA)

4- Havana, Cuba

۵- Jose Martí رهبر جنبش استقلال کوبا در مبارزه با امپراتوری اسپانیا (۱۸۵۳-۱۸۹۵).

۶- Simón Bolívar رهبر مبارزات استقلال آمریکا جنوبی در اوایل قرن نوزدهم بود و توانست کشورهای ونزوئلا، کلمبیا، بولیوی، پرو، اکوادور و پاناما از سلطه اسپانیایی‌ها خارج کند (۱۷۸۳ - ۱۸۳۰).

جمهوری اسلامی ایران نیز با استفاده از ظرفیت‌های موجود خود به دنبال فضای حیاتی و البته راهبردی در سطح جهان به خصوص در منطقه امریکای لاتین می‌باشد.

سؤال اصلی این پژوهش، پیرامون این مسئله می‌باشد که اصول اتحادیه آلبا چیست و فرصت و چالش‌های پیش روی ایران با این اتحادیه چه می‌باشد؟ ازسوی دیگر فرضیه مدنظر هم این مسئله است که بر اساس اصول، اهداف و رویکردهای اتحادیه آلبا، یکی از راه‌های اصلی برای جمهوری اسلامی ایران - جهت ایجاد ارتباط در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی - در منطقه امریکای لاتین، استفاده از پتانسیل این اتحادیه می‌باشد، چراکه این اتحادیه از نظر سیاسی، اقتصادی و حتی تجربه تاریخی ملت‌ها، شباهت‌های بسیاری با ارزش‌ها و آرمان‌های مدنظر جمهوری اسلامی ایران دارد، به همین علت در ابتدای بحث به شناخت اصول، ساختارها و سازمان‌های هم پیوند این اتحادیه همت می‌گماریم و پس از آن با کاوش در ویژگی‌های فرهنگی و سیاسی اتحادیه به ساخت‌های اجتماعی مشترک اعضا می‌پردازیم و در گام نهایی به بررسی چگونگی هم‌افزایی اعضای این اتحادیه با یکدیگر و چالش‌ها و فرصت‌هایی که در اختیار جمهوری اسلامی ایران برای گسترش فضای عمق راهبردی خود در این منطقه می‌باشد، خواهیم پرداخت.

اصول اتحادیه آلبا

اتحادیه آلبا در سراسر اسناد و مدارک منتشرشده، خود را ضدامپریالیستی، ضدنئولیبرالیسم و ضدسرمایه‌داری معرفی می‌کند، آلبا به صراحت هدف خود را احیای پروژه آزادی‌بخش آمریکای لاتین طرح‌شده توسط سیمون بولیوار می‌داند و همچنین تأکید می‌کند که این پروژه ادامه مبارزات انتخاباتی بولیوار برای ایجاد وطنی بزرگ، آزاد و مستقل در برابر استعمار است، از اصول اساسی آلبا همگرایی و تأکید بر مسئله استقلال و عدالت اجتماعی است که در مخالفت با لیبرالیسم و تجزیه‌طلبی عنوان می‌شود.

در اساسنامه آلبا که دربرگیرنده چشم‌اندازهای اتحادیه است به ۱۲ هدف و اصل اساسی اشاره شده که عبارت‌اند از:

- تنها ابزار رسیدن به توسعه عادلانه و پایدار، تجارت و سرمایه‌گذاری است و این امر نباید موقوف به مرزهای اتحادیه باشد.
- در حوزه تولیدات، همکاری بین کشورهایی که عضو اتحادیه بوده و سایر کشورهای خارج از اتحادیه باید صورت پذیرد.
- در طرح ویژه اتحادیه برای کشورهای کمتر توسعه یافته عضو - شامل طرح جامع سوادآموزی، طرح بهداشت و درمان رایگان برای افراد نیازمند، طرح بورس تحصیلی در مناطق وسیع و... - همکاری و همبستگی باید مدنظر همگان باشد.
- توسعه‌ی یکپارچه در ارتباطات و حمل‌ونقل بین کشورهای آمریکای لاتین که شامل طرح‌های گسترش بزرگراه، راه‌آهن، و خطوط هوایی و... است، باید اتفاق بیفتد.
- همگرایی انرژی محور بین کشورها به منظور تضمین عرضه محصولات انرژی پایدار به نفع جوامع آمریکای لاتین باید مورد توجه قرار گیرد.
- باهدف کاهش وابستگی به کشورهای خارج از منطقه، به سرمایه‌گذاری هرچه بیشتر کشورهای آمریکای لاتین در همین منطقه توجه شود.
- در برابر تهاجم شرکت‌های چندملیتی، مراقبت از هنجارها، میراث و مالکیت‌های معنوی اعضای اتحادیه آلبا صورت پذیرد.
- اعضای اتحادیه باید در موضع‌گیری‌ها در مذاکرات با کشورها و بلوک‌های دیگر، هماهنگ عمل نمایند.
- از طریق طرح هنجارهایی که محیط‌زیست را محافظت می‌کند از توسعه‌ی پایدار باید حمایت به عمل بیاید.

- سطح توسعه کشورهای مختلف و ابعاد اقتصادی آن‌ها باید مدنظر قرار گیرد.
- ارتقا فرهنگ مستقل و بومی هرچه بیشتر در دستور کار اعضای اتحادیه قرار گیرد.
- یک صندوق رفاه اجتماعی تأسیس گردد (Bolivarian Alliance for the Peoples of Our America).
(Agreement for the ALBA Application: 2004).

ساختار اتحادیه آلبا

ساختار اتحادیه به دو بخش تقسیم می‌شود:

بخش‌های اصلی اتحادیه

در اتحادیه آلبا تعدادی شورا وجود دارند که وظیفه هماهنگی‌های اجرایی اتحادیه را بر عهده دارند، در این شوراها نقشه‌راه، برنامه‌ریزی‌ها و موضوعات مختلفی که باید مورد بررسی اعضای اتحادیه قرار بگیرد، مطرح می‌شود، این شوراها عبارت‌اند از:

شورای ریاست جمهوری: این شورا قدرتمندترین شورای اتحادیه آلبا است که متشکل از سران دولت‌های عضو است، این شورا وظیفه تصمیم‌گیری در بالاترین سطوح اتحادیه را بر عهده دارد.

شورای وزرای خارجه: این شورا وظیفه مشاوره به شورای ریاست جمهوری را در مورد سیاست‌گذاری راهبردی مسائل مطرح‌شده، برعهده دارد.

شورای اقتصادی: این شورا متشکل از وزرای اقتصاد، تجارت و توسعه است، اعضای این شورا وظیفه‌ی برنامه‌ریزی و انجام هماهنگی بر روی پروژه‌های «منطقه اقتصادی توسعه مشترک» در اتحادیه آلبا را بر عهده دارند، این گروه نقش بسیار برجسته‌ای را در موضوعاتی مانند انرژی، فناوری، تجارت و زیرساخت‌ها ایفا می‌کند.

شورای اجتماعی و فرهنگی: این شورا متشکل از وزیران فرهنگ و آموزش است که در آن به‌هدایت مشترک موضوعات اجتماعی در کشورهای اتحادیه می‌پردازند و بر مباحثی همچون آموزش، بهداشت، اشتغال و فرهنگ اهتمام می‌ورزند.

بخش‌های فرعی اتحادیه

در ساختار اتحادیه آلبا، کمیسیون‌هایی نیز وجود دارند که نقش مشورتی دارند و در واقع ساختار فرعی در کنار شوراهای اصلی به‌حساب می‌آیند، این شوراها عبارت‌اند از: کمیسیون سیاسی، کمیته جنبش‌های اجتماعی، شورای دفاع از استقلال، شورای دفاع از محیط‌زیست، شورای زنان و فرصت‌های برابر و... (Bolivarian Alliance for the Peoples of Our America: 2010).

کنفرانس‌های اتحادیه آلبا

از سال ۲۰۰۴ که اولین کنفرانس اتحادیه میان هوگو چاوز و فیدل کاسترو برای تأسیس اتحادیه برگزار شد تاکنون ۲۰ کنفرانس تشکیل شده است، که عبارت‌اند از:

زمان	مکان	دستاورد
۱۴ دسامبر ۲۰۰۴	هاوانا، کوبا	اعلامیه مشترک ونزوئلا و کوبا توافق برای همکاری کشورهای اتحادیه آلبا
۲۷ و ۲۸ آوریل ۲۰۰۵	هاوانا، کوبا	اعلامیه نهایی اولین نشست بین کوبا و ونزوئلا برای همکاری با آلبا
۲۸ و ۲۹ آوریل ۲۰۰۶	هاوانا، کوبا	پیوستن بولیوی به آلبا / توافق برای همکاری با آلبا TCP

اعلامیه مشترک		
پیوستن نیکاراگوئه به آلبا	ماناگوئا ^۱ ، نیکاراگوئه	۱۱ ژانویه ۲۰۰۷
پیمان انرژی آلبا	تیتوانو ^۲ ، ونزوئلا	۲۸ و ۲۹ آوریل ۲۰۰۷
توافق برای اجرای برنامه‌های همکاری در زمینه مواد غذایی و امنیت اعلامیه همبستگی و حمایت از جمهوری بولیوی	کاراکاس ^۳ ، ونزوئلا	۲۳ آوریل ۲۰۰۸
پیوستن هندوراس به آلبا	تیگوا سیچالپا ^۴ ، هندوراس	نشست فوق‌العاده ۲۵ آگوست ۲۰۰۸
بیانیه مشترک	کاراکاس، ونزوئلا	نشست فوق‌العاده ۲۶ نوامبر ۲۰۰۸
بیانیه مشترک توافق برای امنیت غذایی و حاکمیت کشورهای عضو آغاز زمینه‌های همکاری پتروکارائیب و آلبا توافق برای ایجاد یک کسب‌وکار غذایی تحت پترو کارائیب و آلبا	کاراکاس، ونزوئلا	نشست فوق‌العاده فوریه ۲۰۰۹
بیانیه مشترک	کومانائ ^۵ ، ونزوئلا	نشست فوق‌العاده ۱۶ و ۱۷ آوریل ۲۰۰۹
پیوستن اکوادور به آلبا پیوستن ساینست وینسن و گرانادا به آلبا پیوستن آنتیگوا و باربودا به آلبا سند قانون اساسی کمیسیون آلبا برای بزرگداشت دویست‌ساله	ماراسی ^۶ ، ونزوئلا	نشست فوق‌العاده ۲۴ ژوئن ۲۰۰۹
بیانیه مشترک	ماناگوئا، نیکاراگوئه	نشست فوق‌العاده ۲۹ ژوئن ۲۰۰۹
ساختار آلبا TCP / اصول اساسی پیمان تجارت TCP طرح اقدام برای توسعه تجارت و توسعه اقتصادی مشترک در منطقه آلبا TCP / اعلامیه تغییرات آب و هوایی اعلامیه حقوق ما در زمین	کوچابامبا ^۷ ، بولیوی	۱۷ اکتبر ۲۰۰۹

- 1- Managua, Nicaragua
- 2- Tintorero, Venezuela
- 3- Caracas, Venezuela
- 4- Tegucigalpa, Nicaragua
- 5- Cumaná, Venezuela
- 6- Marasi, Venezuela
- 7- Cochabamba, Bolivia

ساختار و عملکرد آلبا TCP اعلامیه ویژه در مورد تغییرات اقلیمی	هاوانا، کوبا	۱۴ دسامبر ۲۰۰۹
اعلام مانیفست دویست‌ساله کاراکاس	کاراکاس، ونزوئلا	۱۹ آوریل ۲۰۱۰
اعلامیه اوتوالو اعلامیه تغییرات آب و هوایی	اوتوالو، اکوادور	۲۵ ژوئن ۲۰۱۰
قطعنامه کشورهای عضو آلبا برای ورود هایتی(عضو ناظر)، سانتالوسیا و سورینام به‌عنوان مهمانان ویژه قانون تعهد بین آرژانتین و کشورهای آلبا اطلاعیه ویژه آلبا در مورد حمایت خود از دولت سوریه	کاراکاس، ونزوئلا	۴ و ۵ فوریه ۲۰۱۲
اجلاس جنبش اجتماعی آلبا	گوایاکویل ^۲ ، اکوادور	۳۰ ژوئای ۲۰۱۳
اعلامیه نشست آلبا TCP و بزرگداشت دهمین سالگرد خود	هاوانا، کوبا	۱۴ دسامبر ۲۰۱۴
اعلامیه ویژه اجلاس سران آلبا	کاراکاس، ونزوئلا	نشست ویژه ۱۷ مارس ۲۰۱۵

(Bolivarian Alliance for the Peoples of Our America, Statements and Summits Resolutions: 2015)

سازمان‌های هم پیوند اتحادیه آلبا

سه نمونه از مهم‌ترین سازمان‌هایی که اعضای اتحادیه برای رسیدن سریع‌تر به اهدافشان آن‌ها را پایه‌ریزی کردند به شرح زیر است:

۱. پیمان تجارت مردم^۳

توافق‌نامه تشکیل پیمان تجارت مردم در ۳۰ آوریل سال ۲۰۰۶ توسط کشورهای ونزوئلا و بولیوی (دو کشوری که بیشترین ذخایر انرژی را در منطقه آمریکا لاتین داشتند) و کوبا در هاوانا امضا شد، تمام اعضای اتحادیه آلبا، عضو این پیمان هستند، چراکه در حقیقت دومین قدم بعد از تشکیل آلبا، این پیمان بود که به‌مثابه فاز اجرایی اتحادیه و بازوی تجاری مقابله با امپریالیسم و استعمارگری در سطح آمریکا لاتین محسوب می‌شد (Hart-Landsberg, 2013 : 9).

اتحادیه آلبا با پیمان تجارت مردم، از ماهیت سیاسی صرف خارج شد و مسائل اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، اقتصادی و زیست‌محیطی را به‌سرفصل‌های خود اضافه کرد و به‌طور عملیاتی ۹ نقطه پیشنهادی جامعه محور ارائه داد که روابط اصلی حاکم بر اقتصاد را از دوگانه دولت-بازار خارج کرد و مثلثی با اضلاع دولت، اجتماع و محیط‌زیست را به‌وجود آورد.

بانک جنوب^۴

در سال ۲۰۰۰ میلادی زمانی که «هوگو چاوز» تصمیم گرفت خط لوله انتقال گازی را از ونزوئلا به آرژانتین تأسیس نماید و یک سیستم انرژی جدید در سطح منطقه ایجاد کند مشخص شد که این یک پروژه عظیم است که به یک

- 1- Otavalo, Ecuador
- 2- Guayaquil, Ecuador
- 3- people's trade treaty
- 4- BANCO DEL SUR

سرمایه‌گذاری عظیم نیز نیاز دارد. به‌همین دلیل تأسیس یک بانک منطقه‌ای به‌نظر اجتناب‌ناپذیر به‌نظر می‌رسید. در سال ۲۰۰۵ میان دو کشور برزیل و ونزوئلا تفاهم‌نامه‌ای برای بررسی علمی امکان تأسیس بانک امضا شد؛ دو سال بعد و در فوریه ۲۰۰۷ توافق‌نامه‌ای میان ونزوئلا و آرژانتین در جهت تبادل ۳٫۵ میلیارد دلار اوراق قرضه از آرژانتین به ونزوئلا به امضا رسید (Sustar, 2007: 25).

این قرارداد با منفعت سرشار دو طرف همراه بود؛ ونزوئلا، از اوراق قرضه آرژانتین به‌عنوان مکانیزمی برای کنترل بازار ارز خارجی استفاده می‌کرد که به آن‌ها اجازه می‌داد تا سرمایه در گردش خود و در نهایت تورم را کنترل کنند، آرژانتین نیز می‌توانست از این طریق ساختار بدهی‌های خود را بازسازی کند، این قرارداد در واقع اولین تجربه موفق دریافت و پرداخت وام میان کشورهای منطقه در جهت توسعه اهداف اقتصادی منطقه‌ای بود.

در مارس ۲۰۰۷ مذاکرات تأسیس بانک از فاز احساس نیاز و طرح اولیه وارد فاز ارائه نظریه و طرح عملیاتی شد، بولیوی، اکوادور، پاراگوئه، اروگوئه و برزیل در این تاریخ وارد مذاکرات تأسیس بانک جنوبی شدند (Amadeo, 2016)، در این دوره از مذاکرات که نمایندگان دولت‌های مختلف، مشاوران علمی و فنی و همچنین مشاوران سیاسی حضور داشتند، بحث‌های آکادمیک در مورد امکان ایجاد یک معماری اقتصادی منطقه‌ای جدید که به تدریج جایگزین نهادهای اقتصادی بین‌المللی شود، شکل گرفت، در حقیقت افراد حاضر در آن جلسات تنها به دنبال تشکیل یک بانک توسعه‌ای نبودند، در واقع آن‌ها به دنبال احداث یک ساختار اقتصادی جدید در سطح آمریکا لاتین بودند که شامل سه مؤلفه باشد: ۱، واحد پول مشترک جنوبی ۲، صندوق ذخیره ارزی (صندوق جنوب) ۳، بانک توسعه‌ای که از ذخایر آن در توسعه منطقه‌ای استفاده کنند. نتیجه نهایی این دور از مذاکرات متعدد، تهیه پیش‌نویس در مورد تأسیس بانک جنوب بود.

آخرین فاز تأسیس بانک در دسامبر ۲۰۰۹ شکل گرفت، منشور تأسیس بانک جنوب توسط رافائل کوریا^۱، اوو مورالس^۲، نستور کیرشنر^۳، کریستینا فرناندز^۴، لوئیز ایناسیو داسیلوا^۵، نیکانور دوارته^۶ و هوگو چاوز در روز ۲۶ دسامبر ۲۰۰۹ رسماً به امضا رسید (South American leaders sign agreement creating South Bank, 2009)؛ و بدین ترتیب این سازمان متشکل از ۷ عضو رسمی ونزوئلا، برزیل، آرژانتین، بولیوی، اکوادور، پاراگوئه و اروگوئه و سه عضو ناظر کشور پرو، شیلی و کلمبیا شد.

اگر درست بنگریم متوجه خواهیم شد که مؤسسين بانک جنوبی، به دنبال ارائه مدلی بدیلهی به جای مدل توسعه‌ای بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در سطح منطقه آمریکا جنوبی بودند (Fuente, 2011: 6)، در حقیقت، آن‌ها در نظر داشتند تا نهادی تأسیس کنند که اقتصاد منطقه‌ای را به صورت مستقل مدیریت کند و در جهت رفع وابستگی خارجی و از بین بردن دخالت نهادهای بین‌المللی در منطقه بکوشد، بانک جنوب با اعطای وام‌های ضروری به کشورهای عضو به دنبال دستیابی یک نوع توسعه درون‌زا منطقه‌ای است، همچنین در اساسنامه اصلی این بانک آمده است، که سرمایه‌گذاری‌ها در بخش‌های بهداشت، آموزش، امنیت اجتماعی، توسعه اقتصادی، ترویج دموکراسی، مشارکت سیاسی، فرهنگ، ورزش، مبارزه با فقر و محرومیت اجتماعی، محیط‌زیست و به‌طور جدی در جهت بهبود زندگی انجام خواهد گرفت (Rosales, 2013).

- 1- Correa, Rafael
- 2- Morales, Evo
- 3- Kirchner, Néstor
- 4- Fernández, Cristina
- 5- da Silva, Luiz Inácio Lula
- 6- Duarte, Nicanor

پترو کاریب^۱

اتحادیه پتروکاریب یک پیمان انرژی پایه است که توافقنامه آن در ۲۹ ژوئن سال ۲۰۰۵ در شهر پورتو لا کروز^۲ در کشور ونزوئلا میان ونزوئلا و چند کشور آمریکا مرکزی و حوزه کارائیب امضا شد، این سازمان شامل ۱۸ عضو است که اجلاس‌های آن عمدتاً در سطوح رئیس‌جمهور و هیئت‌وزیران برگزار می‌شود (Mallett-Outtrim, 2013).

آنتیگوا و باربودا، باهاما، جامائیکا، بلیز، جمهوری دومینیکن، کوبا، دومینیکا، سنت کیتس و نویس، سنت وینسنت و گرنادین، گرانادا، سنت لوسیا، سورینام و ونزوئلا در ابتدا با یکدیگر قرارداد تشکیل این پیمان را امضا کردند، در اجلاس سوم یعنی در آگوست ۲۰۰۷ کشورهای هائیتی و نیکاراگوئه وارد این پیمان شدند، یک سال بعد یعنی در سال ۲۰۰۸، گواتمالا و هندوراس نیز این توافقنامه را امضا کردند.

در مذاکرات اولیه تأسیس پتروکاریب، لئون فرناندز^۳، رئیس‌جمهور دومینیکا آماری ارائه کرد و مدعی شد: «از ۵۷ کشوری که درآمد سرانه آن‌ها زیر ۶ هزار دلار بوده و واردکننده نفت هستند، ۱۴ کشور در آمریکا لاتین هستند» (Dominican president moots fund to help poor nations buy oil, 2008). به دلیل فقر این کشورها از نظر مواد سوختی و همچنین پایین بودن سطح درآمد آن‌ها، ونزوئلا تصمیم گرفت با بستن پیمان نفتی با این کشورها یک‌قدم دیگر در جهت همکاری‌های منطقه‌ای بردارد و حوزه کارائیب را نیز به حوزه آلبا پیوند بزند و راهی کوتاه‌تر برای آلبا در جهت رسیدن به اهدافش ایجاد کند، بر اساس این پیمان ونزوئلا نفت را باقیمت پایین‌تری به کشورهای حوزه کارائیب و آمریکا مرکزی به فروش برساند و بازپرداخت آن در طولانی‌مدت انجام گیرد (Petrocaribe Energy Cooperation Agreement, 2005).

هر کشور در پتروکاریب می‌تواند سقفی از خرید را انجام دهد و بنابراین میزان سهمیه اعضا با یکدیگر متفاوت است، برای مثال در سال ۲۰۱۳، جامائیکا سهمیه‌ای به میزان ۲۳۵۰۰ بشکه نفت در روز دریافت می‌کرد، درحالی‌که گرانادا فقط ۶۰۰۰ بشکه در روز می‌توانست نفت دریافت نماید (Binger, 2011 : 44). سازوکار بازپرداخت نیز به این نحو بود که ونزوئلا نفت را به کشورهای نیازمند فروخته، و پس از آن کشورها موظف بودند ۶۰ درصد از پول نفت را طی مدت ۹۰ روز و ۴۰ درصد باقی‌مانده را طی مدت‌زمان ۲۵ سال با بهره ۱ درصد بازپرداخت کنند. البته کشورها می‌توانستند به‌جای پول با مبادله کالا بدهی‌های خود را بازپرداخت نمایند. برای مثال اقلامی مانند لوبیا و شکر و خدماتی نظیر فرستادن پزشک میان اعضا خریدار و ونزوئلا ردوبدل شده بود. البته بعد از مدتی پتروکاریب حوزه فعالیت خود را افزایش داد و نه تنها در حوزه خریدوفروش نفت فعالیت می‌کرد. بلکه شروع به سرمایه‌گذاری و پشتیبانی اعتباری در طرح‌های نفتی کشورهای عضو، ساخت‌وساز و همچنین نوسازی پالایشگاه‌های کشورها کرد. علاوه بر این پتروکاریب فعالیت خود را از حوزه نفت فراتر نهاد و در حوزه‌های مشتقات نفت، گاز طبیعی، برق، فناوری و آموزش و همچنین بهره‌برداری از منابع جایگزین سوخت‌های فسیلی مانند باد و انرژی خورشیدی آغاز به فعالیت کرد. از سال ۲۰۱۳ نیز پروژه‌های توسعه حمل‌ونقل هوایی و دریایی در سطح منطقه نیز در دستور کار پتروکاریب قرار گرفت (Williams, 2016 : 18).

در حقیقت پتروکاریب باهدف حذف نابرابری‌های اجتماعی، افزایش کیفیت زندگی و مشارکت مؤثر مردم در اقتصاد ایجاد شد، ابتکار پتروکاریب اولین بار از جانب ونزوئلا مطرح شد و بنیان یک مدل همکاری انرژی بر اساس اصول همگرایی

1- Petrocaribe
2- Puerto la Cruz, Venezuela
3- Fernández Leonel

منطقه‌ای قرار گرفت، که در واقع نوعی قرارداد خاص و متفاوت در جهت فراهم کردن امنیت انرژی در سطح منطقه محسوب می‌شد و به آلبا کمک می‌کرد از طریق امنیت انرژی به بسیاری از اهداف خود در کشورهای حوزه کارائیب دست پیدا کند.

۵- ویژگی‌های فرهنگی و سیاسی کشورهای اتحادیه

اگرچه از لحاظ اقتصادی امروزه، اوضاع کشورها و ساختار حاکم بر آن‌ها متفاوت است اما کشورهای عضو اتحادیه و به‌طور کلی آمریکای لاتین، در طول زمان، یک سرنوشت مشترک و خصوصیات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی بسیار مشابه پیدا کرده‌اند. این ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی به‌گونه‌ای است که حتی اگر یکی از کشورها را بررسی کنیم، نتایج به‌دست‌آمده را در اکثر اوقات می‌توان به‌سایر کشورها تعمیم داد، به‌همین جهت در این قسمت ما به‌صورت کلی ویژگی‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی کشورهای عضو آلبا را بررسی می‌کنیم.

۵-۱. ویژگی‌های فرهنگی مشترک

۵-۱-۱. تمدن هیسپانیک^۱

به‌طور خلاصه تمدن هیسپانیک را می‌توان تاریخچه زندگی مشترک میان اقوام و ملل کشورهای عضو اتحادیه آلبا به‌عنوان مردم برادر و نه متخاصم تحت لوای زبان اسپانیایی دانست. در واقع تمدن هیسپانیک همان آرمان و اعتقاد به برادری و برابری مردم آمریکاست. زبان اسپانیولی (بعد از زبان چینی)، دومین زبان پرمخاطب دنیاست که گستره جغرافیایی‌اش از چهار ایالت جنوبی آمریکا آغاز می‌شود و تا منتهی‌الیه شیلی و آرژانتین ادامه می‌یابد. در این میان و در بین کشورهای آمریکای لاتین نیز تنها کشور برزیل است که زبان اصلی‌اش پرتغالی است (تفرشی، ۱۳۹۰: ۲۳۰). هانتینگتون در کتاب «چالش‌های هویت در آمریکا»^۲ تفکر هیسپانیک را به‌عنوان مهم‌ترین تهدید آمریکا در ۵۰ سال آینده معرفی می‌کند. بر اساس نظر وی تمدن هیسپانیک که دوپایه کاتولیکی و زبان اسپانیایی دارد. بزرگ‌ترین تهدید فرهنگی علیه کشور آمریکاست. این در حالی است که در چهار ایالت جنوبی کشور ایالات متحده آمریکا که شامل ایالت‌های فلوریدا، آریزونا، کالیفرنیا و ایالت تگزاس است و چیزی در حدود ۵۰ میلیون نفر مردم به زبان اسپانیولی صحبت می‌کنند (تفرشی، ۱۳۹۰: ۲۴۴).

۵-۱-۲. الهیات رهایی‌بخش^۳

اصطلاح الهیات «رهایی‌بخش» به‌لحاظ نظری، به هر الهیاتی گفته می‌شود که شرایط ظالمانه را مورد خطاب قرار داده، یا با آن مقابله کند. این اصطلاح برای رویکردی از الهیات مسیحی به‌کار می‌رود که ریشه در اوضاع و شرایط آمریکای لاتین در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی داشت، نهضت الهیات رهایی‌بخش، مهم‌ترین ریشه‌های ناکامی جوامع فقیر منطقه آمریکای لاتین را حکومت‌های خودکامه، نظامی و وابسته به ابرقدرت‌های بزرگ و استعمار کشورهای آمریکای شمالی و اروپایی می‌داند و وظیفه کلیسا را حمایت از محرومان و مقابله با ظالمان می‌داند تا بدین‌صورت، همگان به رهایی و ملکوت آسمان برسند، این الهیات، بر ضرورت فقرزدایی و استقلال از طریق مبارزه و آموزش و آگاهی‌بخشی توده مردم پافشاری می‌کند، در این اندیشه، کلیسا باید مشروعیت خود را بارهایی دادن فقرا از فقر به دست آورد و کتاب

1- Hispanic

2- Who Are We? The Challenges to America's National Identity. Samuel, Huntington (۲۰۰۴)

3- Liberation Theology

مقدس از منظر فقرا خوانده شود، موضوع مشترک در همه آثار مربوط به الهیات رهایی‌بخش، این است که الهیات باید زمینه‌مند باشد؛ یعنی عمیقاً با شرایط اجتماعی و فرهنگی خاص آن منطقه مرتبط باشد، از نظر مردم آمریکای لاتین، نظام‌های عقیدتی اروپا و آمریکای شمالی، برای شرایط آمریکای لاتین مناسب نیستند؛ از این رو به دنبال الهیاتی بومی و مختص آمریکای لاتین هستند، همچنین مردم این منطقه معتقد هستند که همه الهیات و رسالت مسیحی باید با نگاه از پایین و با توجه به آلام و دردهای فقرا و محرومان آغاز شود، الهیات رهایی‌بخش آمریکای لاتین، به شدت عملگراست و منظور از عمل، «آزادسازی» طبقات استثمارشده است، از دیدگاه این الهیات، اندیشه دارای دو قطب است: عمل و نظریه، این دو، در عین وابستگی به هم، در حال نوسان هستند که از دیدگاه آنان، اولویت و تقدم بر عمل است، الهیات کلاسیک، عمل را نتیجه تأملات می‌داند؛ درحالی‌که، الهیات آزادی‌بخش، ترتیب را به‌عکس می‌کند؛ یعنی نخست عمل آغاز می‌شود و در پی آن، تأملات انتقادی می‌آید.

به عقیده‌ی مردم آمریکای لاتین بی‌طرفی سیاسی برای کلیسا ممکن نیست؛ چراکه از نظر سیاسی، بی‌طرف بودن به معنای حمایت از ظالم است، از نظر این الهیات، در طی عصرها، کلیسای کاتولیک در آمریکای لاتین، حامی و متحد حکومت‌ها بوده است اما اکنون باید به این رویه خاتمه داده شود و کلیسا باید خود را وقف محرومان و فقرا سازد؛ الهیات آزادی‌بخش معتقد است که لازمه رهایی انسان‌ها، انقلابی است کامل در ساختارهای جهانی، در نظر رهبران این الهیات، آنچه حضرت عیسی^(ع) انجام داد، حمله به شالوده ظلم و بی‌عدالتی بود، به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی^(ع) را این‌گونه باید تفسیر کرد که حضرت عیسی^(ع) با ظالمان درگیر شد و درگیری حضرت عیسی^(ع) با گروه‌های حاکم، به معنای تضاد با صاحبان قدرت است.

۵-۱-۳. استکبارستیزی

شاید سابقه استکبارستیزی و تنفر از استعمارگر در این منطقه به‌همان ابتدا حضور اسپانیایی‌ها و «کریستف کلمب» بازمی‌گردد، هنگامی‌که اروپایی‌ها وارد آمریکای لاتین شدند، جمعیت این منطقه حدود ۹۵ تا ۹۷ میلیون نفر تخمین زده شده بود، اما اروپایی‌ها تقریباً طی ۱۵۰ سال با کشتارهای وحشیانه و قوانین ظالمانه جمعیت این منطقه را به حدود ۳ میلیون نفر تقلیل دادند، عمق فاجعه تا حدی بود که مردم اسم این نسل‌کشی اروپایی‌ها را «هلوکاست آمریکای لاتین» گذاشتند و علاوه بر این روز «کلمب دی»^۱ که در واقع همان روز ورود کریستف کلمب به این منطقه بود را روز عزای عمومی اعلام کردند، این در حالی بود که قبل از این، بسیاری از کشورهای این منطقه که تحت نفوذ کشورهای استعمارگر بودند این روز را جشن می‌گرفتند.

ایالات متحده به‌عنوان یک امپراتوری از نخستین روزهای تأسیس، هدف کنترل نیمکره غربی را دنبال می‌کرد، با جایگزین شدن آمریکا به‌جای انگلستان و دیگر قدرت‌های امپریالیستی کوچک در جنگ جهانی دوم، جاه‌طلبی‌های این کشور گسترش یافت و استراتژیست‌ها به این نتیجه رسیدند که آمریکا باید به‌عنوان قدرت بلامنازع در نظام جهانی به‌ویژه در نیمکره غربی باقی بماند، در طول مدت گسترش امپراتوری آمریکا، آمریکای لاتین اهمیت و اولویت خود را در برنامه‌ریزی جهانی حفظ کرده بود، در زمان سرنگونی حکومت آئنده در شیلی در سال ۱۹۷۲ شورای امنیت ملی دولت نیکسون^۲ اظهار داشت: «اگر آمریکا نتواند آمریکای لاتین را کنترل کند، چطور انتظار دارد که به نظم موفقیت‌آمیزی در جای دیگری از جهان برسد؟» در همین راستا، آمریکا، سیاست‌های مختلفی را در اکثر کشورهای آمریکای لاتین در دو

1- Columbus, 10 Day

2- Nixon, Richard, 37th President of the United State

دهه گذشته به اجرا گذاشته است که می‌توان به افزایش نظامی‌گری، کمک به افزایش جنگ‌ها و آشوب‌های داخلی، افزایش قاچاق مواد مخدر، توسعه سیاست‌های نئولیبرالیستی و... اشاره نمود، ایالات متحده آمریکا، در دوران قبل از جنگ سرد، بر اساس سیاست‌های کلان برنامه‌ریزی شده خود و بر اساس آموزه‌های رئیس‌جمهور خود در ۱۸۲۳ (جیمز مونروئه) حرکت در جهت استیلا و سلطه بر آمریکای لاتین را در دستور کار قرارداد که این استراتژی آمریکا در قالب طرح‌ها و برنامه‌های بسیاری رخ می‌نمود که جنبه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، نظامی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع لاتین را تحت تأثیر خود قرار می‌داد. آمریکا، تا قبل از پایان جنگ سرد، به علت فضای رقابتی فی‌مابین دو بلوک شرق و غرب و باهدف کنترل بیش‌ازپیش بر مناطق تحت سلطه خود در آمریکای لاتین - به‌ویژه در جهت ممانعت از قرار گرفتن کشورهای منطقه در حوزه نفوذ شوروی سابق - اقدامات مخوف امنیتی و اطلاعاتی را در اکثر کشورهای منطقه به اجرا گذاشت و این برنامه‌ها، با همکاری و هماهنگی دولت‌های نظامی سرکوبگر در کشورهای آمریکای لاتین تحقق یافت، در پی این سیاست‌ها، هرگونه اقدام مشکوکی در سرتاسر قاره آمریکا، به‌شدت کنترل و مخالفین به هر نحو ممکن ترور، زندانی و یا ربوده می‌شدند، با فروپاشی شوروی و با پایان جنگ سرد، تلاش آمریکا برای نفوذ گسترده‌تر و استمرار تفوق هژمونیک خود در پیکره آمریکای لاتین، دولتمردان آمریکایی را به تلاش در جهت وابسته نمودن بیش‌ازپیش اقتصاد کشورهای فقیر آمریکای لاتین به ایالات متحده، رهنمون ساخت که در قالب طرح‌های مختلفی از جمله آکا نمود پیدا کرد (ملک‌تاج خسروی، ۱۳۹۰: ۹۸).

همه این اقدامات، خشم و کینه مردم لاتین را نسبت به آمریکا عمیق‌تر و نفرت آن‌ها را نسبت به هرآنچه که کوچک‌ترین ارتباطی با ایالات متحده آمریکا داشته باشد مضاعف نمود، سیاست‌های توسعه‌طلبانه و برتری جویان آمریکا که همواره با تحقیر ملل لاتین در همه عرصه‌ها، همراه بوده است؛ با حرکت‌ها و جنبش‌های دهه اخیر در آمریکای جنوبی در جهت همگرایی و اتحاد با یکدیگر به‌عنوان شرط لازم برای دستیابی به استقلال، ایجاد روابط متنوع‌تر بین‌المللی و رهایی از سلطه ایالات متحده بر منابع و ثروت‌های بیکران خود، مواجه گردیده است. احساسات ضدآمریکایی هم‌اکنون بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین را فراگرفته است؛ مردم این منطقه چه ثروتمند و چه فقیر در برابر سیاست‌های یک‌جانبه گرایانه دولت‌های ایالات متحده به‌شدت موضع‌گیری می‌کنند.

۵-۲. مفهوم چپ در آمریکای لاتین

تجربه چپ در ایران باتجربه چپ در آمریکای لاتین کاملاً متفاوت است. چپی که در ایران فعالیت داشت از شوروی وارد شد و تقریباً می‌توان گفت یک چپ فلسفی و تا حد زیادی ضدمذهب بود. اما در مورد آمریکای لاتین اوضاع به‌گونه‌ای دیگر است، در حقیقت در آمریکای لاتین هر جریانی که به‌دنبال عدالت اجتماعی باشد از آن به‌عنوان چپ یاد می‌شود. در آمریکای لاتین احزاب و گرایش‌های چپ یا موسوم به گرایش‌های سوسیالیستی، در حقیقت کسانی هستند که مدلی غیر از مدل لیبرال سرمایه‌داری را فریاد می‌زنند.

با تحلیل سیاست‌های چپ‌های آمریکای لاتین می‌توان آن‌ها را به دودسته تقسیم کرد: **دسته اول** رهبران و جنبش‌های چپی هستند که در کمونیسم و سوسیالیسم یا کاستروئیسم ریشه دارند و دقیقاً به‌خاطر همین ریشه‌ها برای خود پایگاهی ساخته‌اند. با این حال آن‌ها دریافته‌اند که اشکال و ایراد شوروی سابق و حتی کوبا چه بوده و در گذشته چه مواردی باعث ناکامی در آمریکای لاتین شده است، چپ‌ها در شیلی، برزیل، اروگوئه و شاید حتی در نیکاراگوئه جزء این دسته هستند، (براتی، ۱۳۹۰: ۱۴۰). این چپ‌ها بر سیاست‌های اجتماعی، آموزشی و بهداشتی، مسکن و برنامه‌های ضد فقر تأکید دارند،

اما همه این تأکیدات در یک چارچوب اقتصاد کلان صورت می‌گیرد. سیاست‌های این گروه باعث تقویت و تحکیم نهادهای دموکراتیک می‌شود؛ اما در مواردی هم این سیاست‌ها بدون هدف پیش می‌رود، دسته اول چپ‌ها سیاستی اغلب مغایر باسیاست‌های آمریکا در پیش می‌گیرند. شیلی بر سر جنگ در عراق با آمریکا در شورای امنیت سازمان ملل مخالفت کرد. برزیل سیاست تجاری آمریکا را رد کرد و اروگوئه روابط دیپلماتیک خود را با هاوانا احیا کرده است؛ اما این مخالفت به‌ندرت به رویارویی منجر می‌شود، درست در زمانی که بوش به عراق حمله کرد. شیلی توافقنامه تجارت آزاد با آمریکا امضا کرد و لولا داسیلوا در پایتخت برزیل میزبان بوش بود، وجود این گروه از چپ‌ها چندان برای آمریکا ایجاد دغدغه نکرده و گاه از وجود آن‌ها استقبال هم می‌شود.

دسته دوم از چپ‌ها بسیار متفاوت هستند. ویژگی اصلی آن‌ها سیاست‌ها و شعارهایی است که توده مردم را هدف می‌گیرد؛ ملی کردن منابع و درآمدهای داخلی و به‌ویژه مخالفت با آمریکا، سیاست اصلی این دسته از رهبران است. علاوه بر بولیوی و ونزوئلا، در مکزیک و آرژانتین هم رهبران دسته دوم چپ‌ها هستند، به‌اعتقاد آن‌ها سوسیالیسم جدید مبتنی بر تعهدات اخلاقی جهت برقراری عدالت اجتماعی است.

باید توجه داشت که نظام‌های چپ‌گرای کنونی در آمریکای لاتین با جنبش‌های چپ انقلابی متداول در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی ماهیتاً تفاوت دارند، جنبش‌های انقلابی کلاسیک چپ عمدتاً راه‌حل‌های راه‌یابی‌بخش را در آلترناتیوهای جنگ‌های چریکی و از بین بردن نظام‌های سرمایه‌داری جستجو می‌کردند و حال آنکه جنبش‌های چپ علیرغم آن که دیدگاهی انتقادی نسبت به‌نظام سرمایه‌داری دارند اما کمتر به تغییرات ساختاری در نظام ناعادلانه جهانی از طریق انقلاب می‌اندیشند که این موضوع ممکن است به‌نوعی ناشی از شکست و فروپاشی بلوک سابق سوسیالیسم در برابر بلوک غرب باشد، همواره مرکز ثقل دیدگاه چپ رادیکال در آمریکای لاتین که «ایده انقلاب سرمایه‌داری» داشتند (از جمله کوبا و نیکاراگوئه). امروزه در مقابله با برنامه‌های چپ نو، موضوعیت خود را از دست داده‌اند، شرکت در انتخابات و به قدرت رساندن حکومت‌های چپ‌گرا در آمریکای لاتین، در واقع به‌معنای پایان شیوه مبارزه مسلحانه در این منطقه و حق‌خواهی از طریق مسالمت‌آمیز است. زیرا روش مبارزه مسلحانه در واقع شیوه‌ای بود با محدودیت‌ها و هزینه‌های مخصوص به خود که هیچ‌گاه نتوانست در آمریکای لاتین به‌غیر از کوبا و سپس نیکاراگوئه، دستاورد دیگری داشته باشد. طی دهه‌های گذشته، تاکتیک‌های مبارزه با این نوع حق‌خواهی از سوی قدرت سلطه‌طلب آمریکا در این منطقه به شیوه‌ای بود که این نوع مبارزه را محدود و هزینه آن را برای مردم نیز افزایش داد؛ به همین دلیل جنبش مبارزات مردمی مجبور شد راه‌های دیگری را برای حق‌خواهی برگزیند (که راهی جز استفاده از حق انتخابات و دموکراسی که آمریکا راه‌گیری از آن نداشت، نبود) و بدین ترتیب موجی از گرایش به چپ نوین سرتاسر منطقه را فراگرفت (خسروی، ۱۳۹۰: ۹۴). آنچه مسلم است نظام‌های چپ‌گرا در منطقه عموماً ارتباط ایدئولوژیکی با اندیشه‌ها و تفکرات مارکسیستی و لنینیستی ندارند و ناکارآمدی این تفکر برای اداره نظام‌های اقتصادی کنونی در نزد رهبران جنبش‌های اجتماعی چپ در آمریکای لاتین محرز می‌باشد، باین‌حال سیاستمداران چپ‌گرای کنونی حاکم بر آمریکای لاتین، از نظریه وابستگی به‌عنوان نظریه‌ای محوری، جهت تبیین نظری ناکامی ایدئولوژی نئولیبرالیسم بهره‌برداری می‌نمایند.

۶. فرصت‌های پیش‌روی اتحادیه

۶-۱. ایجاد بازارچه‌های مرزی در مناطق مرزی کشورها و ایجاد مناطق آزاد تجاری

ایجاد بازارچه‌های مرزی، به‌خصوص در شهرهای بندری (چراکه عمده کشورهای اتحادیه آلبا مرز آبی با یکدیگر ندارند)، باعث می‌شود علیرغم دادرستد تجاری میان کشورهای همسایه، زندگی ساکنین نقاط مرزی نیز بهبود یابد، این‌گونه بازارچه‌های مرزی به‌عنوان شکلی از بازارهای بین‌المللی، به دنبال توسعه روابط سیاسی و دیپلماسی شکل می‌پذیرند. بازارچه‌های مرزی که یکی از اولین قدم‌ها برای تسریع روند همگرایی اقتصادی است. هدف‌هایی را هم‌چون ایجاد اشتغال پایدار و تأمین نیازمندی‌های اساسی ساکنان مناطق مرزی، کاهش مهاجرت مرزنشینان به شهرها و نواحی داخلی کشور، سامان‌دهی مبادلات غیررسمی و مبارزه با قاچاق کالا و از همه مهم‌تر واگذاری بخشی از وظایف تصدی‌گری دولت در تأمین نیازمندی‌های ساکنان مناطق مرزی و در نتیجه کاهش هزینه‌های مربوطه دنبال می‌کنند.

۶-۲. ایجاد روابط گذرنامه‌ای (تردد بدون روادید) میان کشورهای اتحادیه

روابط گذرنامه‌ای نیز یکی دیگر از مقدمات همگرایی اقتصادی است، اهمیت این قرارداد به آن دلیل است که بسیاری از فرصت‌های شغلی کشورهای آلبا در کشور همسایه دست‌یافتنی است، با توجه به اقتصاد به هم وابسته منطقه، با لغو روادید مهم‌ترین مانع از سر راه سرمایه‌های کشورهای عضو و همچنین سرمایه‌گذاران خارج از اتحادیه برداشته خواهد شد.

۶-۳. تقویت بانک مشترک اتحادیه^۱ و یا ایجاد بانک‌های جدید

بانک محور اصلی توسعه است. زمانی که اتحادیه بانکی ایجاد شود و این بانک در تمامی کشورها شعبه افتتاح کند، پول‌های جاری در اختیار مردم از یک‌سو و سرمایه‌بازرگانان از سوی دیگر همراه با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی می‌تواند علاوه بر سود مالی فراوان که نصیب اعضا می‌کند، باعث توسعه کشورها نیز شود. تشکیل بانک‌های چندملیتی جدید که بازرگانان منطقه و همچنین سرمایه‌گذاران خارجی بتوانند در هر کشور به راحتی به تبادلات مالی بپردازند، نیز باید در دستور کار این اتحادیه قرار گیرد.

۶-۴. ایجاد خطوط هوایی و دریایی ویژه برای اعضا

یکی دیگر از راه‌های تقویت جریان همگرایی، ایجاد خطوط هوایی و دریایی ویژه میان اعضای اتحادیه است. چراکه کشورهای اتحادیه مرز مشترک بسیار کمی با یکدیگر دارند و برخی کشورها نیز مانند بولیوی به دریا راه ندارند. ایجاد شبکه ارتباطی هوایی یکی از اصلی‌ترین برنامه‌های پیش‌روی دولت‌ها باید باشد. همچنین به این منظور که حجم عظیمی از کالا با صرف زمان کم میان کشورهای عضو جابه‌جا شود خطوط دریایی ویژه‌ای نیز باید برای اعضای اتحادیه در نظر گرفته شود.

۶-۵. پایین آوردن و یا حذف تعرفه‌های گمرکی میان کشورهای عضو

مهم‌ترین عامل توسعه و تسهیل تجارت بین کشورهای جهان حذف تعرفه‌های گمرکی فی‌مابین است، حذف تعرفه‌های گمرکی باعث می‌شود جریان کالا به‌صورت آزاد از کشورهای عرضه‌کننده به کشورهای درخواست‌کننده جاری شود و

علاوه بر تولیدکننده‌های کشورهای عضو اتحادیه، سرمایه‌گذاران خارجی نیز تشویق به تولید بیشتر شده و چشم‌انداز بهتری را فراسوی خود ببینند.

۶-۶. داشتن هماهنگ‌کننده سیاسی

داشتن نهادی به‌عنوان هماهنگ‌کننده سیاسی به‌عنوان معاون سیاسی و بین‌الملل برای شرکت در مجامع بین‌المللی، ایجاد رادیو و تلویزیون مشترک برای اتحادیه، چاپ مجله‌های علمی به اسم اتحادیه، تأسیس دانشگاه مخصوص اتحادیه (برای مثال دانشگاه سیمون بولیوار) و همچنین سعی در تشکیل اتاق بازرگانی مشترک به اسم اتحادیه با سایر کشورهای جهان از جمله اقداماتی است که می‌تواند هرچه بیشتر به پیشبرد منویات اتحادیه آبا کمک کند.

۷. چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌روی ایران

اول؛ به این دلیل که اکثر کشورهای این منطقه (به‌جز کوبا) از نظر وضع بهداشت و درمان، وضعیت مطلوبی ندارند، و از سوی دیگر همه کشورهای آبا، جمعیت جوان رو به پیری دارند (۲۵_۵۲)، تأسیس بیمارستان‌های ایرانی در این مناطق با فناوری‌های ایرانی [برای اقشار ضعیف‌تر] یا فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای جذب توریسم سلامت [برای اقشار پردرآمد] در این مناطق یکی از مهم‌ترین اقدامات جمهوری اسلامی می‌تواند باشد.

دوم؛ نکته قابل توجه این است که در میان اقلام وارداتی تمامی کشورها، اسم تجهیزات و ماشین‌آلات صنعتی به چشم می‌خورد، صادرات این محصولات یا احداث خط تولیدهای کوچک در این کشورها از جمله فرصت‌هایی است که ایران می‌تواند از منافع آن بهره‌مند شود (نمونه موفق تراکتورسازی).

سوم؛ احداث مجموعه‌های کشت و صنعت ایرانی در برخی مناطق این کشورها به دلیل داشتن زمین‌های حاصل خیز و محرومیت از صنایع مقتضی می‌تواند سود سرشار اقتصادی را برای سرمایه‌گذار به همراه آورد، مزارع و کارخانه‌های کنار آن با امکان فراهم آوردن کار برای نیروهای بومی و متخصصین و مدیران ایرانی می‌تواند از پیشنهادهای سودآور برای جمهوری اسلامی باشد.

چهارم؛ تأسیس رستوران‌های ایرانی در شهرهای بزرگ این کشورها، نمونه دیگری از فرصت‌هاست (در کوبا پیشنهاد احداث چنین مکان‌هایی وجود دارد).

پنجم؛ بین ایران و کشورهای اتحادیه، عمده مبادلات از طریق هواپیما و عمدتاً از سوی تهران صورت می‌گیرد، ایجاد خطوط حمل‌ونقل دریایی میان ایران و کشورهای این منطقه (به‌جز بولیوی) نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

ششم؛ توجیه تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران داخلی مبنی بر وجود بازار سودآور این مناطق واقعیتی است که باید توسط دولت صورت پذیرد، ورود سرمایه‌های خصوصی ایرانی و نیروهای متخصص می‌تواند در کنار سیاست‌های دولتی راهی برای تأثیرگذاری جمهوری اسلامی به این مناطق باشد (برای مثال تولیدکنندگان مواد شیمیایی).

هفتم؛ بستن پیمان‌های دوجانبه نفتی و گازی میان ایران و این کشورها نیز از جمله جاذبه‌های برقراری رابطه میان دو طرف است.

هشتم؛ از آنجاکه اقتصاد عمده این کشورها ضعیف و حجم درآمد آن‌ها پایین است، و از طرف دیگر این کشورها از نظر ذخایر معدنی بسیار غنی بوده و از سوی دیگر بانک‌های ایرانی نیز عمدتاً در تحریم به سر می‌برند، ایران هنگام صادرات کالاهای موردنیاز اعضای اتحادیه، می‌تواند از مواد معدنی موجود در این کشورها استفاده کند (کشورهای این منطقه تجربه چنین قراردادهایی را در پتروکاروبار دارند).

نهم؛ دعوت از مؤسسات پژوهشی کشورهای اتحادیه آلبا به تهران و فراهم نمودن زمینه‌های آشنایی بیشتر با ظرفیت‌های علمی، فرهنگی و صنعتی ایران می‌تواند از فرصت‌های راهگشا برای دو طرف باشد.

دهم؛ افتتاح دفتر صدوسیمای جمهوری اسلامی در اتحادیه آلبا و پوشش اخبار منطقه آلبا در بخش‌های مختلف خبری صدوسیمای باعث آشنایی بیشتر مردم ایران به این مناطق و همچنین ایجاد حس مودت و حساسیت نسبت به مردم این منطقه می‌شود.

یازدهم؛ تقویت روابط در سیاست خارجی مشترک ایران با کشورهای اتحادیه آلبا می‌تواند زمینه‌ساز پیشبرد دیپلماسی مشترکی شود که از نمونه‌های روشن آن می‌توان به شناسایی رسمی کشور فلسطین، اخراج سفیر رژیم صهیونیستی در جریان حمله به غزه و اخراج سفیر عربستان در زمان حمله به یمن و... اشاره نمود.

دوازدهم؛ به دلیل همگرایی در مسائل سیاسی متعدد همچون آمریکاستیزی، ایران و کشورهای اتحادیه آلبا می‌توانند از این ظرفیت برای مسئله حقوق بشر نیز استفاده کنند (براتی، ۱۳۹۰: ۱۳۷).

سیزدهم؛ سفر هیئت فرهنگی و دانشگاهی از کشورهای اتحادیه آلبا و بالعکس، ارتباط مستقیم و مستمر با روزنامه‌نگاران محلی و چاپ مقالات دیپلمات‌های ایرانی در روزنامه‌های کشورهای منطقه اتحادیه آلبا، ترجمه کتاب‌های ادبیات مقاومت ایران به زبان اسپانیولی، تقویت شبکه ماهواره‌ای اسپانیولی زبان (نمونه موفق هیسپان تی‌وی) و... از دیگر فرصت‌هایی است که ایران می‌تواند از آن حداکثر بهره را ببرد.

چهاردهم؛ هماهنگی‌های لازم میان سازمان‌های سیاسی و اقتصادی داخلی جهت تنظیم روابط با کشورهای منطقه وجود ندارد، برای مثال ایران و کوبا بین سال‌های ۹۰ تا ۹۲ به سمت همکاری‌های اقتصادی رفته و در این مدت کوتاه ۶ توافق عمده نیز به امضا رسانده بودند ولی بعد از تغییر دولت در جمهوری اسلامی هیچ‌یک از دستگاه‌های مربوطه، پیگیر این قراردادها نشد.

پانزدهم؛ فاصله جغرافیایی از دیگر مسائل مهمی است که باعث افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و بازرگانی و مانع از استفاده تمام ظرفیت‌های موجود می‌شود (البته این عامل ناشی از ذهنیت غلط سرمایه‌های کوچک است چراکه درحالی‌که ایران با ایالات متحده نیز همین فاصله را برخوردار است تلاش‌های بسیاری برای برقراری این امر در حال شکل‌گیری است)، عدم برقراری ارتباط توسط تجار ایرانی با تجار منطقه و نبود جاذبه برای تحصیل دانشجویان در کشورهای دو طرف و... از سایر چالش‌های پیش رو در روابط طرفین است.

۱. براتی، مسعود (۱۳۹۰) رفتارشناسی کشورهای آمریکای لاتین، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۱۸، سال دوم، صفحات ۱۳۳-۱۶۲.
۲. تفرشی، امیر (۱۳۹۰)، اهمیت ژئوپلیتیکی آمریکای لاتین، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، پاییز و زمستان، شماره ۲۲، سال ۵، صفحات ۲۳۹-۲۵۴.
۳. خسروی، ملک تاج (۱۳۹۰)، تأثیر چپ‌گرایی نوین در آمریکای لاتین بر مناسبات سیاسی امنیتی این کشورها با ایالات متحده آمریکا، فصلنامه علمی پژوهشی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، سال ۱۱، شماره ۱۷، صفحات ۹۲-۱۱۷.

1. Bolivarian Alliance for the Peoples of Our America, (2010) **STRUCTURE AND FUNCTIONING ALBA-TCP**. Retrieved from alba-tcp: <http://alba-tcp.org/en/contenido/structure-and-functioning-alba-tcp>.
2. Amadeo, K. (2016, sep 08) **Banco del Sur: Definition, Members, Purpose, History**. Retrieved from thebalance: <https://www.thebalance.com/banco-del-sur-definition-members-purpose-history-3305910>.
3. Binger, A. (2011) **Energy efficiency potential in Jamaica: challenges, opportunities and strategies for implementation**. German Society for International Cooperation, 31-45.
4. Bolivarian Alliance for the Peoples of Our America, (2004) **What Is Alba**. Retrieved from ALBA-TCP : <http://alba-tcp.org/en/contenido/alba-tcp-eng>
5. Bolivarian Alliance for the Peoples of Our America, (2014, DEC 14) **Agreement for the ALBA Application**. Retrieved from alba-tcp: <http://alba-tcp.org/en/contenido/agreement-alba-application>.
6. Bolivarian Alliance for the Peoples of Our America, (2015, MAR 17) **Statements and Summits Resolutions**. Retrieved from alba-tcp: <http://albatcp.org/en/contenido/statements-and-summits-resolutions>.
7. Dominican president moots fund to help poor nations buy oil, (2008, JUL 13) **Retrieved from Two Circles:** http://twocircles.net/2008jul13/dominican_president_moots_fund_help_poor_nations_buy_oil.html
8. Fuente, E. d. (2011) **ALBA: A Political Tool for Venezuela's Foreign Policy**, Western Hemisphere Security Analysis Center 4-37.

9. Hart -Landsberg ,M ,(2013) **learning from alba and the bank of the south:Challenges and Possibilities** ,In: **Capitalist Globalization** .Resistance and alternatives .1-13.
10. Mallett-Outtrim ,R ,(2013 .may 06) **Petrocaribe Meets in Venezuela** ,**Links With ALBA** .Retrieved from Venezuelanalysis: <https://venezuelanalysis.com/news/9087>.
11. Petrocaribe Energy Cooperation Agreement ,(2005) .University of New Mexico .4-6.
12. Rosales ,A ,(2013) **The Banco del Sur and the Return to Development** . UNIVERSITY OF WATERLOO .1-18.
13. South American leaders sign agreement creating South Bank ,(2009 .sep 27) . Retrieved from Merco Press: <http://en.mercopress.com/2009/09/27/south-american-leaders-sign-agreement-creating-south-bank>.
14. Sustar ,L ,(2007) **Where is Venezuela going?** International Socialist Review .16-38.
15. Tahsin ,E ,(2009) **Looking to the Future: Examining the dynamics of ALBA** . Florida International University .3.
16. Williams ,D ,(2016) **oil .PetroCaribe: Counting the cost of cheap** .Global Trade Review .12-29.





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی